

## بروکراسی و دیوان سالاری در برابر خصوصی سازی صف کشیده اند

سهام به سازمان خصوصی سازی انگیزه لازم را ندارند.

بسیاری از کارشناسان معتقدند در امر واگذاری شرکتها باید منابع مالی، اموال، داراییها و نقدینگی و... در جهت حمایت

از تولید هدایت شود بنابراین خارج کردن ۵۰ درصد منابع حاصل از فروش شرکت های دولتی عملاً به تضعیف آنها متعرج می شود.

دکتر غنی نژاد کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه معتقد است مسائل ایدئولوژیک و منافع شخصی دو عامل عمده و اساسی در روند خصوصی سازی است. به عقیده وی عده ای هنوز قانع نشده اند که بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی در اقتصاد عمل می کند همچنین منافع افرادی که باید خصوصی سازی را انجام دهند مانع از این امر می شود.

به گفته غنی نژاد تشکیل بازار پولی مستقل و غیردولتی متشکل و قوی از ابزارهای لازم برای امر خصوصی سازی است.

غنی نژاد گفت: بازار سرمایه ما شکل یافته نیست و ابزارهای خصوصی سازی در کشور ما غایب است. بنابراین موانع موجود بر سر راه خصوصی سازی بسیار بیشتر از عوامل است.

بروکراسی، دیوانسالاری عریض و طویل و منافع متشکل از عواملی است که در برابر خصوصی سازی صف کشیده اند.

در این میان افرادی خواهند خصوصی سازی اند که به صرف آموخته ها یا تجربه های خود نمی توانند حتی افکار عمومی را قانع کنند. بنابر این می بینیم که خصوصی سازی در کشور با کندی روبه روست.

غنی نژاد همچنین یادآور شد: بخش خصوصی ما قادر به خرید بخش دولتی نیست و عملاً توان مالی لازم را برای خریداری یا مالکیت بخش عظیم دولتی ندارد.

وی افزود: بخش کوچکی از ثروتمندان در دست بخش خصوصی است در حالی که دولت بسیار وسیع و بزرگ است.

وی در مورد واریز ۵۰ درصد

مدتی قبل طهماسب مظاهری وزیر امور اقتصاد و دارایی کشور در نامه ای به وزارتخانه های نفت و صنایع و معادن و... خواستار سرعت بخشیدن به روند واگذاری

شرکت های دولتی شد. همچنین وی در طی هفته های اخیر نیز نسبت به این روند به سازمان خصوصی سازی هشدار داده بود.

در قانون بودجه سال ۸۱ فروش شش هزار میلیارد ریال سهام از طریق بورس پیش بینی شده بود در حالی که طی ۱۱ ماهه سالجاری ۲۵۸ میلیارد تومان از

این میزان محقق شده است. این رقم ۴۲ درصد رقم مصوب در بودجه سالجاری است و نشان دهنده روند کند خصوصی سازی در کشور می باشد. به نظر می رسد ساختار کنونی اقتصاد ایران و نبود بسترهای لازم برای این امر خصوصی سازی را مطابق با قوانین بودجه به پیش نمی برد.

علاوه بر مشکلات قانونی، ساختار مالی و سرمایه گذاری های شرکت ها و دولت زمینه جذب و تشویق بخش خصوصی را برای خرید این شرکت ها ایجاد نکرده است.

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند قانون برنامه و بودجه سوم توسعه، انگیزه لازم را برای مدیران شرکت ها ایجاد نکرده است. تا در روند خصوصی سازی مشوق آنها بوده و انگیزه آنها را زیاد کند. یکی از دلایل کارشناسان این است که طبق قانون ۵۰ درصد عواید خصوصی سازی باید به حساب خزانه و بسیج واریز شود (۴۸ درصد خزانه و ۲ درصد بسیج) و ۵۰ درصد باید به حساب خود شرکت واریز شود تا به عنوان نقدینگی در فعالیت های خود شرکت استفاده شود. این مسأله انگیزه مدیران و کارشناسان مالی این شرکت ها را کم کرده است و در روند خصوصی سازی و ارائه

عواید خصوصی سازی به حساب خزانه و بسیج گفت: اگر هدف از خصوصی سازی کسب درآمد برای دولت یا شرکت‌ها و ارگان‌ها باشد خصوصی سازی محقق نخواهد شد.

هدف از خصوصی سازی، اصلاح مدیریت و حاکم کردن منطق اقتصادی بر روابط بنگاه‌هاست، بنابراین اگر به خصوصی سازی به عنوان منبع درآمد نگاه شود پیشرفتی در کار دیده نمی‌شود.

دکتر ابراهیم رزاقی کارشناس اقتصادی نیز معتقد است: بستر جامعه و اقتصاد کشور برای خصوصی سازی مهیا نیست.

به عقیده وی ساختار اقتصاد به گونه‌ای است که سرمایه‌ها به جای جذب در بخش صنعت و تولید به سمت بخش‌هایی که سودآورتر است سوق داده می‌شود و فرهنگ واسطه‌گری جایگزین تولیدگرایی شده است.

به گفته وی در چنین بستر اقتصادی دولت به جای اصلاح مدیریت و بستر سازی مناسب برای تولید و افزایش سود سرمایه، تحت تاثیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تصور می‌کند خصوصی سازی راه حل اساسی تحول در ساختار اقتصادی است.

بنابر این مشاهده می‌کنیم که طی سال‌های گذشته آهنگ رشد خصوصی سازی همچنان کند است و بستر اقتصادی نیز به گونه‌ای شده که تولیدکننده، ۲۰ درصد و واسطه‌گر ۵۰ درصد سود می‌کند و سرمایه‌ها به جای جذب در بخش تولید و صنعت به سمت واسطه‌گری جلب می‌شود. به عقیده وی مدیران بخش‌های

برای شرکت‌های دولتی بوجود می‌آورد با روح خصوصی سازی سازگاری ندارد و از موانع عمده این امر محسوب می‌شود.

خریدار یا بخش خصوصی که می‌خواهد سهام شرکت‌های دولتی را بخرد انتظار دارد پولی که می‌دهد در خود این شرکت‌ها منشأ گردش مناسب نقدینگی و تولید شود و به رشد صنعت و تولید و سودآوری سرمایه‌گذاری منجر شود. بنابراین، این امر انگیزه خریداران را در خرید سهام شرکت‌هایی که سهام خود را ارائه کرده‌اند کم می‌کند. مدیران این شرکت‌ها و وزارتخانه‌های متولی آنها نیز از اینکه ۵۰ درصد منابع مالی حاصل از واگذاری این شرکت‌ها خارج شود و به حساب خزانه ریخته شود ناراضی هستند و معتقدند اگر قرار است این شرکت‌ها بدون بودجه دولت اداره شوند باید تمام عواید حاصل از

واگذاری و پول مردم در خود این شرکت سرمایه‌گذاری شود تا امکان گردش نقدینگی و تولید و اداره این شرکت‌ها وجود داشته باشد.

درجایی که این شرکت‌ها باید با آورده سهامداران و پول مردم اداره شوند و پس از سال‌ها وابستگی به بودجه دولت و پول نفت حالا مستقل شود. چرا ۵۰ درصد منابع جذب شده حاصل از واگذاری سهام باید به حساب خزانه ریخته شود. در مقابل این نارضایتی‌های شرکت‌ها و وزارتخانه‌ها که موجب روند کند ارائه اوراق سهام و همکاری با سازمان خصوصی سازی شده و روند قطره‌چکانی فروش سهام را شاهد

هستیم. سازمان خصوصی سازی، وزیر اقتصاد و برخی نمایندگان مجلس نیز معتقدند دولت وقتی می‌خواهد اموال خود را بفروشد چرا باید تمام ۱۰۰ درصد حاصل را به حساب شرکت‌ها بریزد، لذا باید بخشی از عواید خصوصی سازی به خزانه واریز شود.

به عقیده بسیاری از کارشناسان اگر دولت بخواهد مخارج خود را از طریق فروش دارایی‌ها تأمین کند و هر ساله در بودجه سالیانه رقمی را به این امر

اختصاص دهد، خواهیم دید که موفقیتی به دست نمی‌آید. مهدی علی‌اکبر رئیس سازمان خصوصی سازی، دلیل محقق نشدن واگذاری ۶۰۰ میلیارد تومان

سهام دولتی به بخش خصوصی در سالجاری را سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی عنوان کرد و گفت: مشخص نشدن اجزای درآمد فروش شرکت‌های دولتی به وسیله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دلیل اصلی کند بودن روند خصوصی سازی است.

محمد ستاری در رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز در مورد روند کند خصوصی سازی گفت: «وزارت امور اقتصادی و دارایی متولی امر خصوصی سازی است نه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی». بر اساس قانون، اموال دولت دست این سازمان نیست.

به نظر می‌رسد با اختلاف نظرهای موجود بین مدیران اقتصادی کشور، طرح واگذاری شرکت‌ها، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

بنابر این، هشدار به روند کند خصوصی سازی، هشدار به قانون مدیران و مسؤولان و وزیرانست و همه در مقابل این شرایط مسؤولند، لذا از تدوین قانون و اصلاح مقررات تا مدیران، وزراء، سازمان خصوصی سازی و ... باید به سهم خود در اصلاح شرایط و بستر سازی مناسب برای این امر اقدام کنند تا خصوصی سازی کارایی لازم را در حمایت از تولید ملی و جلوگیری از هدر رفتن منابع داشته است.

دولتی و حتی نیروی کار شاغل در این بخش‌ها در مقابل خصوصی سازی مقاومت می‌کنند و نگرانی از خصوصی سازی در تمام سطوح مدیریت و نیروی کار دیده می‌شود.

ضعف و ناکارایی قانون در امر خصوصی سازی مانع ایجاد می‌کند از یک طرف قانون مالیات‌های مستقیم، قانون کار و از سوی دیگر وفور قوانین خصوصی سازی با الزاماتی که